



shariatkhoda.org

شریعت خدا: قسمت ۱: طرح بزرگ شیطان علیه غیریهودیان

نقشه شیطان علیه غیریهودیان

شکست شیطان و استراتژی جدید

چند سال پس از بازگشت عیسی به پدر، شیطان نقشه بلندمدت خود را علیه غیریهودیان آغاز کرد. تلاش او برای متقاعد کردن عیسی به پیوستن به او با شکست مواجه شده بود (متی ۸: ۴-۹)، و تمام امیدهای او برای نگه داشتن مسیح در قبر، با رستاخیز برای همیشه نابود شد (اعمال رسولان ۲: ۲۴).

آنچه برای ما باقی مانده بود این بود که در میان غیریهودیان همان کاری را انجام دهد که از زمان عدن همواره انجام داده بود: متقاعد کردن انسان‌ها به نافرمانی از قوانین خدا (پیدایش ۴: ۳-۵).

دو هدف اصلی این نقشه

برای تحقق این هدف، دو اقدام لازم بود:

1. غیریهودیان باید تا حد ممکن از یهودیان و ایمان آن‌ها دور می‌شدند—ایمانی که از ابتدای آفرینش بشر وجود داشت. ایمان خانواده، دوستان، حواریون و شاگردان عیسی باید کنار گذاشته می‌شد.

2. آنها به یک استدلال الهیاتی نیاز داشتند تا بپذیرند که نجاتی که به آنها ارائه شده است، با درکی که از ابتدای تاریخ از نجات وجود داشت، متفاوت است. این نقشه جدید نجات باید به غیریهودیان اجازه می‌داد تا قوانین خدا را نادیده بگیرند.



پس از عروج عیسی، شیطان مردان با استعدادی را برانگیخت تا نقشه‌ای دروغین برای نجات طراحی کنند و غیریهودیان را از پیام ایمان و اطاعتی که عیسی، مسیح اسرائیل، اعلام کرده بود، دور سازند.

سپس شیطان مردان با استعدادی را الهام کرد تا دینی جدید برای غیریهودیان بسازند، همراه با نام، سنت‌ها و عقایدی تازه. مهم‌ترین این آموزه‌ها، غیریهودیان را به این باور رساند که یکی از اهداف اصلی مسیح، “آزاد کردن” آنها از الزام به رعایت احکام خدا بود.

فاصله گرفتن از اسرائیل

چالش قانون برای غیریهودیان

هر جنبشی برای بقا و رشد به پیروان نیاز دارد. شریعت خدا، که تا آن زمان توسط یهودیان مسیحی‌پس رعایت می‌شد، برای گروه غیریهودیان که به سرعت در حال گسترش در کلیسای تازه‌تأسیس بودند، به چالشی جدی تبدیل شد.

احکامی مانند **ختنه**، رعایت **روز هفتم**، و پرهیز از خوردن برخی **گوشت‌ها** به تدریج به عنوان موانعی برای رشد این جنبش تلقی شدند. رهبری کلیسا رفته‌رفته به این گروه امتیازاتی داد و با این استدلال دروغین که آمدن مسیح شامل کاهش سخت‌گیری‌های شریعت برای غیریهودیان بوده است، تغییراتی ایجاد کرد—در حالی که چنین استدلالی هیچ مبنایی در **عهد عتیق** یا سخنان عیسی در چهار **انجیل** نداشت (خروج ۱۲:۴۹).

واکنش یهودیان به این تغییرات

در همین حال، تعداد کمی از یهودیانی که هنوز به این جنبش علاقه داشتند—تحت تأثیر نشانه‌ها و معجزاتی که عیسی تنها چند دهه پیش انجام داده بود و همچنین حضور شاهدان عینی، از جمله برخی از حواریون اولیه—به درستی از کنار گذاشتن تدریجی الزام به رعایت قوانین خدا، که از طریق پیامبران ابلاغ شده بود، نگران شدند.

همان قوانینی که عیسی، حواریون و شاگردان او با وفاداری رعایت می‌کردند.

پیامدهای فاصله گرفتن

وضعیت کنونی عبادت

نتیجه این روند، همان‌گونه که می‌دانیم، این است که میلیون‌ها نفر اکنون هر هفته در کلیساها گرد هم می‌آیند و ادعا می‌کنند که خدا را عبادت می‌کنند، در حالی که کاملاً نادیده می‌گیرند که همین خدا یک ملت را از طریق یک پیمان برای خود برگزیده است.

وعده خدا به اسرائیل

خدا به وضوح اعلام کرد که هرگز این پیمان را نخواهد شکست:
«همان‌طور که قوانین خورشید، ماه و ستارگان تغییرناپذیرند، نسل‌های اسرائیل نیز هرگز از بودن به‌عنوان قوم خدا تا ابد دست نخواهند کشید» (ارمیا ۳۱:۳۵-۳۷).

پیمان خدا با اسرائیل

نجات از طریق اسرائیل

در هیچ جای عهد عتیق نمی‌خوانیم که برکت یا نجاتی برای کسانی که خود را به اسرائیل ملحق نکنند، وجود داشته باشد:

«و خدا به ابراهیم گفت: تو برکت خواهی بود. کسانی را که تو را برکت دهند، برکت خواهم داد، و کسانی را که تو را لعنت کنند، لعنت خواهم کرد؛ و در تو تمامی خاندان‌های زمین برکت خواهند یافت» (پیدایش ۱۲:۲-۳).

حق خود عیسی نیز به‌وضوح تأیید کرد که نجات از یهودیان است: «زیرا نجات از یهودیان است» (یوحنا ۴:۲۲).

غیریهودیان و اطاعت

غیریهودی‌ای که می‌خواهد توسط مسیح نجات یابد، باید از همان قوانینی پیروی کند که پدر برای جلال و افتخار خود به ملت برگزیده‌اش داده است—همان قوانینی که عیسی و حواریونش رعایت می‌کردند.

پدر، ایمان و شجاعت چنین غیریهودی‌ای را، علی‌رغم چالش‌ها، می‌بیند. او محبت خود را بر او می‌ریزد، او را به اسرائیل متصل می‌کند و او را به سوی پسر برای آموزش و نجات هدایت می‌کند.

این همان نقشه نجاتی است که معنا دارد، زیرا حقیقت است.

مأموریت بزرگ

انتشار بشارت

بر اساس گزارش‌های تاریخی، پس از عروج مسیح، چندین حواری و شاگرد، مأموریت بزرگ را اطاعت کرده و انجیلی را که عیسی تعلیم داده بود، به ملل غیریهودی رساندند:

- توما به هند رفت.
- برنابا و پولس به مقدونیه، یونان و روم رفتند.
- اندریاس به روسیه و اسکانداویا رفت.
- متیاس به اتیوپی رفت.

بشارت نجات در سراسر جهان گسترش یافت.

پیام تغییر نکرد

پیامی که مأمور بودند موعظه کنند، همان تعلیمی بود که عیسی داده بود و بر پدر متمرکز بود:

1. ایمان داشتن به اینکه عیسی از جانب پدر آمده است.

2. اطاعت از قوانین پدر.

عیسی به اولین رسولان خود تصریح کرد که در مأموریت انتشار بشارت ملکوت خدا تنها نخواهند بود. روح القدس آنچه را که مسیح در زمان حضورش به آنها آموخته بود، به یادشان خواهد آورد: «اما تسلی دهنده، یعنی روح القدس، که پدر او را به نام من خواهد فرستاد، همه چیز را به شما تعلیم خواهد داد و آنچه را که به شما گفتم، به یادتان خواهد آورد» (یوحنا ۱۴:۲۶).

دستور این بود که آنها همچنان همان چیزی را که از استاد خود آموخته بودند، تعلیم دهند.

نجات و اطاعت

پیام یگانه نجات

در هیچ جای انجیل نمی بینیم که عیسی پیشنهاد داده باشد که رسولان او پیامی متفاوت درباره نجات، مخصوص غیریهودیان، بیاورند.

تعلیم دروغین نجات بدون اطاعت

این ایده که غیریهودیان می توانند بدون اطاعت از احکام مقدس و ابدی پدر نجات یابند، در تعالیم عیسی وجود ندارد.

ایده نجات بدون اطاعت از شریعت هیچ تأییدی در سخنان عیسی ندارد و بنابراین، صرف نظر از قدمت یا محبوبیت آن، دروغین است.